

فلسفۀ دین

از
نگاه اقبال

دکتر محمد معروف

ترجمہ

دکتر محمد بقائی ماکان



انتشارات فروارید

.....	۲۷۲
.....	۱۱۶
.....	۵۱۶

نمایه مطالب

مقدمه مترجم

.....	۲۷۲
.....	۹
.....	۲۱
.....	۲۳

بخش اول، نقد و ارزیابی

.....	۳۷
.....	۳۹
.....	۶۹
.....	۱۰۹
.....	۱۲۳
.....	۱۳۵
.....	۱۳۷
.....	۱۴۰
.....	۱۵۳

بخش دوم، تحلیلی و تشریحی

.....	۱۸۹
.....	۲۲۳

۳۷۹	ارزش معرفتی تجربه دینی
۳۱۱	توضیحی در باب شهود
۳۱۵	حاصل سخن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
پیوستها

۳۲۹	شناخت الهی از نگاه اقبال
۳۴۳	دین از نگاه راسل
۳۶۱	کتابشناسی
۳۷۱	نمایه اصطلاحات (فارسی - انگلیسی)
۳۸۳	نمایه اصطلاحات (انگلیسی - فارسی)
۳۹۵	نمایه نامها و موضوعات
۴۲	نویسندگان و عناوین تعریف شده
۶۲	موضوعات و عناوین
۶۹	(۱) نویسندگان و عناوین
۶۰۱	(۲) نویسندگان و عناوین
۶۲۱	نویسندگان و عناوین
۵۶۱	موضوعات و عناوین
۷۶۱	موضوعات و عناوین
۰۶۱	موضوعات و عناوین
۶۵۱	موضوعات و عناوین
۶۸۱	موضوعات و عناوین
۶۹۱	موضوعات و عناوین

مقدمه مترجم

پنج سال پیش در آوریل ۲۰۰۳ ملاقاتی دست داد با دکتر محمد معروف مولف کتاب حاضر در شهر لاهور. در آن زمان ترجمه یکی از آثار او به نام «اقبال و اندیشه‌های دینی غرب معاصر» را به پایان برده بودم که از تحقیقات قابل تأمل در حوزه اقبال‌شناسی است. او در این اثر اندیشه‌های بیش از هشتاد متفکر غربی را با آراء اقبال مورد سنجش قرار می‌دهد که نشان از مطالعه و تعمق قابل تحسین وی در آثار اندیشمندان غربی و متفکران اسلامی از جمله اقبال دارد. ترجمه کتاب مذکور در حالی انجام یافت که مترجم شناختی از مولف کتاب نداشت و تنها محتوای پرمایه اثر مذکور مشوق وی در ترجمه آن شد. بعدها در ملاقاتی که با وی داشتم چند بار تأکید نمود که گرچه هر آفریننده‌ئی در آفریده خود به چشم رضا می‌نگرد، ولی او کتاب حاضر یعنی «فلسفه دین از نگاه اقبال» را بسیار عزیز می‌شمارد. از این رو مرا بر آن داشت تا این کتاب را «به‌زبان شیرین فارسی که میلیونها نفر در سراسر جهان بدان تکلم می‌کنند» برگردانم. همانجا نسخه‌ئی از کتاب مذکور را پشت‌نویسی و به مترجم اهداء نمود «با این امید که به‌زبان شیرین فارسی برگردانده شود». قول ترجمه کتاب را به‌وی دادم، ولی تاریخی برای آن تعیین ننمودم. ولی دکتر معروف لبخندی زد و گفت: «عمرها بسیار کوتاه است.» کنایتی که در پاسخش بود، به‌زودی حقیقت یافت. در سفری که در مارچ ۲۰۰۷ به لاهور داشتم خوشحال

بودم که خیر اتمام ترجمه کتابش را به‌وی خواهم داد ولی شوربختانه باخبر شدم که چند ماهی است چشم از جهان فرو بسته. سخنش به یادم آمد، همراه با لبخند معنادارش که «عمر آدمی برف است و اجل آفتاب تموز».

آن روز هم که به مهمانخانه محل اقامت آمده بود، بیمار می‌نمود و با آن که بیش از ۶۵ سال نداشت ولی بیشتر از آن می‌نمود. او را مردی یافتم متواضع، کم‌حوصله، مهربان با زبانی پر شکوه از قضایائی که در پیرامونش می‌گذرد، دلزده از ناآگاهی حاکم بر جوامع شرقی و مشتاق فهم درست از آنچه به نام دین در ذهن دارند. از آنها بود که آنچه می‌دید نمی‌خواست و آنچه می‌خواست نمی‌دید. دکتر معروف در سال ۱۹۳۸ یعنی همان سالی که اقبال چشم از جهان فرو بست، دیده به جهان گشود.



دکتر محمد معروف (۱۹۳۸-۲۰۰۷)

او که از چهره‌های معروف اقبال‌شناسی است از سال ۱۹۶۱ در دانشگاه‌های مختلف از جمله لاهور به تدریس فلسفه اشتغال داشته است. در سال ۱۹۷۸ دو کتاب به نامهای «مقالاتی در باب اندیشه اقبال» و «ذهن و هنر از نگاه اقبال» را به چاپ سپرد، و در سال ۱۹۹۵ «منطق و روش علمی» را منتشر کرد. از این اقبال‌شناس مقالات متعدد نیز در مورد اندیشه‌های فلسفی و دیدگاه‌های اقبال در خصوص تعلیم و تربیت انتشار یافته است. مقالات مهم وی در این زمینه عبارتند از: جاودانگی از نگاه اقبال، خدا در تصور اقبال، معرفت‌شناسی اقبال در خصوص مفاهیم مابعد طبیعی و سهم مسلمانان در فلسفه. دکتر معروف به پاس فعالیت‌های فرهنگی خود نشان‌های معتبر رسمی نیز دریافت داشته است. او همچنین عضو چند دانشگاه اروپائی و آمریکائی بوده است. این محقق علاوه بر اقبال‌شناسی، آثار و مقالاتی نیز در حوزه فلسفه اسلامی، اندیشه غرب معاصر، منطق و فلسفه جدید دینی و بررسی تطبیقی ادیان دارد. او در سالهای پایان عمر ریاست کالج اسلامی لاهور را به عهده داشته است. کتاب حاضر یکی از آثار درخور توجه در حوزه اقبال‌شناسی است که در سال ۱۹۷۷ منتشر شد و به‌عنوان اثری ممتاز، جایزه «علامه اقبال» را به خود اختصاص داد. دکتر معروف در این کتاب حقیقت دین را بر بنیاد واقعیت‌های زندگی شرح می‌کند. به عقیده وی از آنجا که پیرایه‌های مختلف به دین بسته شده چهره واقعی آن پنهان مانده و از این رو اعتبارش را در نزد انسان امروزی که ذهنش به تجربه‌های علمی گرایش دارد از دست داده. ولی او با توجه به آراء اقبال نشان می‌دهد که دین در مفهوم واقعی خود عامل دیگری است در شناخت حقیقت و حتی گاه بیش از دانش‌های نوین موثر بوده است. در این مورد شواهدی ارائه می‌شود در زمینه روانشناسی